



رحلت قطب الدین رازی در سال 766 هجری قمری

ولادت:

محمد بن محمد رازی (بوهی) مشهور به قطب الدین رازی در سال 647 هجری قمری به دنیا آمده و اصلیت او از (ورامین) نزدیک تهران است. او با محدث بزرگوار و عظیم الشأن شیخ صدوق نسبت داشته است، چرا که نسبت او به (بابویه) جد شیخ صدوق (محمد بن بابویه قمی) منتهی مگردد.

تحصیلات:

او پس از طی مراحل علوم مقدماتی و تحصیل فنون متداول عصر، علوم معقول و منقول خود را تکمیل نمود و در رشته های مختلف آن مخصوصاً منطق و فلسفه تخصص یافت، و از دانشمندان عالیقدر عصر بشمار آمد.

اساتید:

قطب الدین رازی در نزد قاضی عضد الدین ایچی مؤلف کتاب مشهور مواقف و در خدمت علامه حلی پیشوای مجتهدین شیعه مدتی را به کسب علم پرداخته است.

شاگردان:

دانشمندان مشهور سنی و شیعه همچون میر سید شریف جرجانی و سعد الدین تفتازانی و شهید اول از جمله شاگردان او بشمار می آیند.

تألیفات:

1 - تحرير القواعد المنطقية في شرح الشمسية.

2 - حاشیه بر قواعد علامه.

3 - بحر الاصداف.

4 - تحفة الاشراف.

5 - تحقيق معنى التصور والتصديق يا (رسالة التصورات والتصديقات) در علم منطق.

6 - شرح الاشارات.

7 - المحاکمات بين شرحی الاشارات.

8 - لوامع الاسرار.

9 - کتاب تقسیم العلم و الرسالة القطبية نیز نام برد.

اگر چه از ادبیات و فقه هم بهره داشته اما اساساً او يك حکیم و فیلسوف است چنانچه از آثار و

تألیفاتش هویدا است.

گفتار بزرگان :

بسیاری از دانشمندان و علمای ما قطب الدین رازی را مورد ستایش قرار داده اند و عده زیادی از محققین و مدققین، زبان بر تحسین او گشوده اند که برای نمونه به سه مورد اشاره می کنیم.

1 - علامه حلی پیشوای مجتهدین شیعه، در اجازه ای که در پشت کتاب (قواعد الاحکام) خود که به خط قطب رازی استنساخ شده است درباره او منویسد: شیخ دانشمند بزرگوار، فقیه، عالم، فاضل، محقق، مدقق، زبدة العلماء و الافاضل، قطب الملة و الدین محمد رازی (ادام الله ایامه).

از این تعبیراتی که علامه حلی درباره شاگرد بر ازنده اش بکار برد می توان مقام عالی او را در علم و فضل به خوبی حدس زد.

2 - شهید سعید قاضی نور الله شوشتری، از قطب الدین بدین گونه یاد میکند : المولی المحقق العلامة، قطب الدین محمد بن محمد البویهی (قدس سره) آنکه چرخ، اعلم زمانش خواند دهر، علامه جهانش خواند. هر چه در هر نقش دانائی است- دل او را بر آن توانائی است - چون خورشید فضیلتش از مطلع (شرح مطالع) و محکمت حکمتش از افق کتاب (محاکمات) ساطع است عظم شأن او احتیاج به تعریف و بیان ندارد .

3 - شهید اول گل سرسبد فقهای شیعه در قرن هشتم در کتاب (اربعین) خود سفرماید: اتفاق افتاد ملاقات من در دمشق با قطب الدین در شعبان 766، او در تمام علوم معقول و منقول متبحر بود، ضمن استفاده از محضر او، پس از مذاکرات و مباحثاتی که داشتم دانستم که او دریایی است که ساحل ندارد.

و بعد اضافه میکند که از او اجازه خواستم و او هم برایم نوشت.

وفات

این حکیم الهی و دانشمند گرانمایه بعد از عمری تعلیم و تعلم و خدمت به فرهنگ غنی اسلام سر انجام در روز دوازدهم ذیقعده سال 766 هجری قمری در دمشق از دنیا رفت و به دیدار حق شتافت بسیاری از بزرگان شام در نماز وی شرکت جستند و او را در (صالحیه) دفن کردند.

شهادت سید اسدالله مدنی (شهید محراب) در سال 1401 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

سید اسدالله مدنی فرزند میر علی ده خوارقانی در سال 1293 هـ.ش مطابق با 1332 هجری قمری در شهرستان آذر شهر استان آذربایجان شرقی در یک کانون مذهبی پا به عرصه وجود نهاد. پدرش در (راسته بازار) آذر شهر مغازه بزازی داشت و سید اسدالله تا ابتدای جوانی در نزد پدرش کار می کرد. وی در 4 سالگی مادر خود را و در سن 16 سالگی پدرش را از دست داد و به ناچار سر پرستی 3 کودک و نا مادریش را به عهده گرفت و در اوائل جوانی مسئولیت سنگین تکفل خانواده را بر دوش خود احساس نمود.

تحصیلات :

از همان دوران کودکی آثار نبوغ و استعداد در وجود ایشان نمایان بود. او زودتر از همسالان خود به فراگیری علاقه نشان داد و در این باب پیشرفت چشمگیری نمود. علوم مقدماتی را نزد علمای آذر شهر فرا گرفت.

ایشان علیرغم گرفتاری ها و مشکلاتی که در زادگاهش برای او پیش آمده بود به جهت شوق زاید الوصف به ادامه تحصیل و آشنایی با معارف و حقایق بالاتر و تکامل معنوی و تعالی روحی که همیشه آرزوی وی بود رهسپار حوزه علمیه قم گردید. از همان اوائل ورود به حوزه رفتار و کردار و تقوا و فضیلت و علم ایشان بسیار مورد نظر علما و بزرگان واقع شد و بعد از سپری چند مدت به مراتب عالی علمی نائل آمد.

اساتید :

سید اسد الله مدنی از محضر بزرگان بسیاری کسب علم نموده است که مهمترین آنها سید روح الله خمینی، سید محمد حجت و سید محمد تقی خوانساری می باشد.

تدریس :

سید اسد الله مدنی بعد از طی مراحل علمی و رسیدن به مرتبه عالی اجتهاد به دستور سید محسن حکیم زعیم عالیقدر حوزه نجف به تدریس علوم اسلامی پرداخت. و در چندین رشته درسی از جمله کفایه، رسایل، مکاسب، درایه، شروع به تدریس نمود و طلاب زیادی از محضر ایشان کسب علم نمودند و پیوسته بر رونق حوزه درسی ایشان افزوده می گشت و علاقه مندان بیشتری در آن شرکت می جستند.

خدمات :

سید اسد الله مدنی خدمات بسیاری در همدان انجام دادند از جمله ساختن مسجد چهل ستون، تأسیس صندوق قرض الحسنه، ساختن درمانگاه مهدیه و...

فعالیت :

سید اسد الله مدنی در جریان تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی از سوی مردم مسلمان همدان به مجلس خبرگان راه یافت و در این مجلس نیز در نقش یک مجتهد جامع الشرایط در جهت تدوین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی بر مبنای آیات قرآن و دستورات خدا لحظه ای از پا ننشست تا این که جریان شهادت سید محمد علی قاضی طباطبایی اولین امام جمعه تبریز به دست گروه تروریستی فرقان اتفاق افتاد.

ایشان به دستور امام امت مجلس خبرگان را ترک و به عنوان امام جمعه تبریز و نماینده امام در آذربایجان رهسپار تبریز شد. زحمات و رنج های فراوانی در آن روزهای بحرانی و پر آشوب در تبریز متحمل گشت و ضمن رسیدگی به اوضاع آذربایجان شرقی و غربی از وضع همدان و خرم آباد و زنجان نیز غافل نبود.

دوران :

چون فعالیت های شهید بزرگوار برای ساواک ناخوشایند و موجب وحشت صاحب منصبان رژیم گردیده بود چندین بار ایشان را از شهری به شهر دیگر تبعید کردند از جمله شهرهای لرستان، نورآباد ممسنی، گنبد کاووس، بندر کنگان و شهرهای استان فارس و...

ولی این حرکت ایذایی او را در راه اهداف عالی و خدمت به اسلام و مسلمین دلسرد ننمود. هر شهری برای آن مجاهد بزرگوار سنگری بود جهت مبارزه بر علیه طاغوت به هر شهری می رفت مردم پروانه وار به دورش حلقه زده و تحت تأثیر افکار انقلابی او قرار می گرفتند. در این مدت هر موقع می خواست به نجف بر گردد با کار شکنی های سازمان امنیت شاه مواجه می شد بالاخره با معطلی و گرفتاری زیاد موفق به اخذ اجازه خروج از کشور گردید این فراز و نشیب ها در زندگی آن فقیه بزرگوار ادامه یافت تا سال 1349 هـ.ش که شهید مدنی در ایران به سر می بردند.

بعد از هجرت امام از نجف به پاریس در سال 1357 هـ.ش تبعید ایشان نیز اتمام یافت. سید اسد الله مدنی از کردستان راهی همدان شد. و مورد استقبال با شکوه و بی نظیر مردم قرار گرفت. مرد و زن، پیر و جوان آمده بودند تا با مبارز نستوهی که غبار سالیان دراز تبعید و رنج را بر پیشانی داشت تجدید بیعت نمایند.

مرحوم سید اسد الله مدنی بعد از انقلاب اسلامی زحمات بسیار زیادی برای به ثمر رسیدن این انقلاب بزرگ متحمل شد. نقش برجسته شهید مدنی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در هدایت و ارشاد مردم، رسیدگی به مسائل و مشکلات آذربایجان، فرو نشانیدن مسأله خلق مسلمان و دهها خدمت ارزنده دیگر فراموش نشدنی است.

مسافرت :

بعد از تبعید حضرت امام به نجف اشرف مرحوم سید اسد الله مدنی همواره یار و یاور امام بود و در کنار مراد خود مبارزه علیه ظلم و

ستم را ادامه داد. در این زمان به علت بیماری، پزشکان معالج، وی را از ماندن در هوای گرم نجف ممانعت نمودند و ایشان ناچار شدند به ایران برگردند.

در اولین تابستان سفر به ایران راهی شهر همدان شده و غربیانه در یکی از حجره های پشت مدرسه آخوند ملا علی همدانی سکنی گزید.

وفات (شهادت) :

مرحوم سید اسدالله مدنی سر انجام پس از قریب 70 سال زندگی پر افتخار و سراسر مبارزه و فداکاری و تهذیب نفس در ظهر روز جمعه (60/6/20) مصادف با 12 ماه ذی قعدة 1401 هجری قمری در میعاد گاه عاشقان الله و در میدان نماز جمعه تبریز در اثر انفجار نارنجک کور دلان شب پرست به لقاء الله پیوست. پیکر پاک آن انسان وارسته با شکوه هر چه تمام تر در تبریز تشییع و برای خاک سپاری به شهر قم انتقال یافت.

درگذشت میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری شاعرگرانقدر ایرانی در سال 1344 هجری قمری

میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری شاعرگرانقدر ایرانی در سال 1344 هجری قمری بدرود حیات گفت. وی در 4 سالگی بینایی خویش را از دست داد اما از همان دوران بتدریج آموختن را با فراگیری قرآن مجید آغاز کرد. در 16 سالگی دوره صرف و نحو و منطق را به پایان رساند و سپس در مشهد به تدریس علوم و ادبیات عرب و علم بلاغت مشغول شد. ادیب نیشابوری شاعری خوش قریحه بود و در سرودن شعر از سبک قآنی پیروی می کرد. اما بعد از مدتی به شیوه ترکستانی روی آورد و سرانجام خود صاحب سبکی ویژه شد. ادیب نیشابوری شاعری توانا بود و انتخاب الفاظ و انسجام ترکیبات و معانی دقیق از خصوصیات بارز شعراوست. از ادیب نیشابوری علاوه بر دیوان اشعار، «بخشی از شرح مُتعلقات سَبَعه و رساله ای در جمع بین عروض عربی و فارسی» باقیست.

استقلال بلغارستان در سال 1944 میلادی

بلغارستان پس از خروج نیروهای آلمان نازی در سال 1944 میلادی مجدداً استقلال خود را بازیافت. بلغارستان پس از آنکه به اشغال آلمان درآمد، در زمان جنگ جهانی دوم با آلمان هیتلری بر ضد متفقین در جنگ شرکت کرد اما خیلی زود از متفقین شکست خورد و از پای درآمد. بعد از این شکست؛ ارتش سرخ شوروی وارد این کشور شد و بلغارستان در این روز با ورود ارتش شوروی، استقلال خود را اعلام کرد. پس از آن رژیم کمونیستی به ریاست « دیمیتروف» در بلغارستان برقرار شد و او 2 سال بعد در این کشور « جمهوری» اعلام کرد.